

مربوط به : بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با بسیجیان تاریخ: 3/9/1395

**بنده چند سرفصل را در مورد بسیج عرض میکنم. شما برادران و خواهرانی هستید که در بخشهای مختلف بسیج مسئولیّت دارید؛ هرکدام از این سرفصل‌ها، هم شرح و توضیح لازم دارد -که نه وقتش را داریم و نه الان مجال آن است- هم برنامه‌ریزی و رویّه‌سازی لازم دارد. بنده فقط سرفصل‌ها را میگویم، بقیّه‌اش به عهده‌ی شما. یکی این است که بسیج صرفاً یک حرکت احساسی نیست، بسیج متّکی است به دانستن و فهمیدن، متّکی است به بصیرت. واقعیّت بسیج هم همین است و در این جهت باید پیش برود. اگر صرفاً احساس بود، احساس با یک اندک چیزی تغییر پیدا میکند.**

**یک عدّه‌ای اوّل انقلاب جزو کسانی بودند که پرشور با انقلاب همراه بودند امّا از روی احساس؛ از روی عمق فهم دینی نبود. بنده با بعضی از اینها ارتباط داشتم، آشنا بودم، در دانشگاه و بیرون دانشگاه اینها را می‌شناختم؛ عمق دینی نداشتند. نتیجه این شد که با نشست و برخاست با بعضی آدمهایی که زاویه‌ی با انقلاب داشتند، اینها هم با انقلاب زاویه‌دار شدند -خاصیّت زاویه هم این است که اوّل خیلی محدود شروع میشود، [امّا] هرچه انسان خط را پیش برود، این فاصله بیشتر میشود، دهنه وسیع‌تر میشود- شدند مقابل انقلاب. بسیج همراه با بصیرت است. اینکه بنده سال ۸۸ روی بصیرت تکیه کردم، عدّه‌ای ناراحت شدند، عصبانی شدند، طنز گفتند، بد گفتند، مقاله نوشتند علیه اینکه چرا میگویید بصیرت، به‌خاطر این است؛ بصیرت مهم است؛ دانستن و فهمیدن مهم است.**

 دوّم؛ بسیج جناحی نیست؛ یکی از دو جناح سیاسی، یا سه جناح سیاسی، یا چهار جناح سیاسیِ داخل کشور نیست. بسیج لشکر انقلاب است، بسیج مال انقلاب است. اگر دوگانگی‌ای وجود داشته باشد، دوگانگی انقلابی و ضدّ انقلابی است -حتّی [فرد] غیر انقلابی هم قابل کشش است، قابل جذب است؛ بنده معتقد به جذب حدّاکثری‌ام، البتّه با روشهای خودش، نه اینکه حالا هر کاری بکنیم به‌عنوان جذب حدّاکثری- انقلاب و ضدّ انقلاب. هر جناحی، هر کسی، هر آدمی که انقلاب را قبول دارد، در خدمت انقلاب است، دنبال انقلاب است، بسیج طرف‌دار او هم هست. یعنی این‌جور نیست که ما در جناحهای داخل کشور، بسیج را جزو این جناح یا آن جناح یا آن جناح [سوم] یا آن جناح [چهارم] بدانیم؛ نخیر، خود بسیج  یک جریان است، یک شطّ عظیم جاری است به سمت اهداف انقلاب.

 نکته‌ی دیگر؛ در بسیج هم‌افزایی لازم است. یعنی بایستی قشرهای مختلف مردم در بسیج حضور داشته باشند؛ همین بسیج اقشار. دانش‌آموز و دانشجو و کارگر و استاد دانشگاه و کاسب و حقوق‌دان و غیره و غیره و غیره، همه باید باشند. این گستره‌ی بسیج به‌صورت افقی است. البتّه شرطش این است که اینها با همدیگر هماهنگی بکنند. یکی از کارهای لازمی که بنده توصیه میکنم -همین‌جا هم میگویم، مسئولین هم تشریف دارند- و باید انجام بگیرد، [ایجاد] یک سازوکار قطعی است برای هماهنگی و همکاری و هم‌افزایی این سطح وسیع افقی. بنابراین بسیج خطّ افقی دارد -این یک- از طرفی بسیج احتیاج دارد به مجموعه‌های اندیشه‌ورز، به هدایت عمومی. این هدایت -که بعد درباره‌ی این بیشتر صحبت عرض خواهم کرد- یک خطّ عمودی است که حالا نقش این خطّ عمودی چیست، [بعد] عرض میکنم. هم خطّ افقی در بسیج هست، هم خطّ عمودی در بسیج هست. نه مثل سازمانهای متعارف نظامی یا تشکیلات اداری است که صرفاً خطّ عمودی باشد، نه مثل مجموعه‌های خدماتی مردمی است که صرفاً خطّ افقی باشد. هم خطّ عمودی دارد، هم خطّ افقی دارد؛ هرکدام بنحوی برای تشکیل بسیجیک امر لازمی است.

 نکته‌ی بعدی این است که بسیج تحقّق مردم‌سالاری دینی است. ما که میگوییم مردم‌سالاری دینی یا مردم‌سالاری اسلامی، بعضی خیال میکنند این مردم‌سالاری فقط پای صندوق رأی و انتخابات است؛ آن [تنها] یکی از جلوه‌های مردم‌سالاری دینی است. مردم‌سالاری یعنی بر اساس دین و بر اساس اسلام، سالارِ زندگیِ جامعه، خود مردمند؛ مردم‌سالاری یعنی این؛ این معنای مردم‌سالاری اسلامی است. بسیج در همه‌ی عرصه‌ها مظهر مردم‌سالاری دینی و مردم‌سالاری اسلامی است. اگرچنانچه بسیج وارد اقتصاد بشود، اقتصاد میشود مردم‌سالار؛ همین که آقایان اینجا الان اظهار کردند و کاملاً درست است. این اقتصاد مقاومتی که ما عرض کردیم، اگر بتواند از قوّت و قدرت بسیج استفاده کند، میشود اقتصاد مقاومتی مردم‌سالار؛ در علم همین‌جور است، در پیشرفتهای گوناگون اجتماعی همین‌جور است، در سیاست همین‌جور است؛ مظهر مردم‌سالاری دینی، بسیج است.

 یک نکته‌ی دیگر این است که گفتیم هیئتهای اندیشه‌ورز؛ من اصرار دارم این کلمه‌ی «اتاق فکر» را که فرنگی‌ها میگویند به کار نبرم. اتاق فکر یک تعبیر فرنگی است، می‌آیند آقایان می‌نشینند کلمات فرنگی را تبدیل میکنند به ترجمه‌ی تحت‌اللفظی فارسی، همانها را مدام با افتخار به کار میبرند؛ نه، ما خودمان زبان داریم، واژه‌سازی کنیم. «هیئتهای اندیشه‌ورز» از «اتاق فکر» خیلی گویاتر هم هست. ما هیئتهای اندیشه‌ورز لازم داریم. کجا؟ در دو نقطه: یکی در رأس، یکی در لایه‌ها. لایه‌های گوناگون بسیج فراوان است. همین که حالا این بچّه‌ها اینجا میگویند ما شوق داریم و ما را بفرستید و چرا نمیفرستید، همان جنگ سخت است؛ از جنگ سخت که احتیاج دارد به هیئت اندیشه‌ورز برای ترسیم و تعیین حدود این کار که چه کسی  برود، کِی برود، چه‌جوری برود؛ تا جنگ نرم که جنگ نرم یک عرصه‌ی بسیار وسیعی است و روزبه‌روز هم با گسترش این فضای مجازی دارد گسترده‌تر میشود و خیلی هم خطرناک‌تر از جنگ سخت است -یعنی در جنگ سخت، جسمها به خاک و خون کشیده میشوند، [ولی] روحها پرواز میکنند و میروند به بهشت؛ [امّا] در جنگ نرم، اگر خدای نکرده دشمن غلبه بکند، جسمها پروار میشوند و سالم میمانند، [ولی] روحها میروند به قعر جهنم؛ فرقش این است؛ لذا این خیلی خطرناک‌تر است- هیئت اندیشه‌ورز لازم دارد؛ تا سازندگی که بسیج یک‌جاهایی مشغول سازندگی است؛ تا تقسیم مأموریّتهای جغرافیایی -همین‌که آمایش سرزمینی میگویند؛ در یک نقطه‌ای از کشور بسیج میتواند یک کاری را انجام بدهد که در نقطه‌ی دیگر یا نمیتواند انجام بدهد آن کار را، یا لازم نیست انجام بدهد- این باید با هوشیاری صورت بگیرد که هیئت اندیشه‌ورز لازم دارد. تمام این لایه‌های مختلف و لایه‌های گوناگون دیگر، هرکدام هیئتهای اندیشه‌ورز لازم دارد.

 علاوه‌ی بر این، هیئت اندیشه‌ورز در بالاترین سطوح بسیج که برای کلّ مجموعه‌ی بسیج بنشینند خط‌نگاری کنند، راهبردنگاری کنند -اینجا هم من مایل نیستم تعبیر استراتژیست را به کار ببرم؛ راهبردنگار، راهبرداندیش- لازم داریم. ما راهبرداندیشانی را لازم داریم که بنشینند و کارشان فقط این باشد؛ این از مهم‌ترین کارها است. مثل راهبرداندیشان نظامی که در همه‌جای دنیا هم معمول است، به قول خودشان استراتژیست‌های نظامی که می‌نشینند و تکلیف جنگ را، کار نظامی را مشخّص میکنند. این لازم است، اینها کارهایی است که باید انجام بگیرد. وقتی ما اینها را انجام دادیم، آن‌وقت شما در هر نقطه‌ای از مجموعه‌ی عظیم بسیج که مشغول کار هستید -در حلقه‌ی صالحین باشد، در راهیان نور باشد، در دبیرستان باشد، در دانشگاه باشد، در محیط کارگری باشد، در مسجد باشد- هرجا که شما در زمینه‌ی بسیج مشغول کار هستید و میدانید که یک عضو فعّال هستید از یک مجموعه‌ی خردمند و هدف‌دار که دارد حرکت میکند و پیش میرود، این احساس در شما به وجود می‌آ‌ید. نمیگویم مثل یک عضو از بدن؛ نه، چون اعضای بدن درست است که حرکت میکنند، امّا همه‌ اسیر مغزند؛ مغز میگوید ببین، مغز میگوید بشنو، مغز میگوید بگو یا حرکت کن؛ مغز فعّال است. در بسیج این‌جوری نیست که فقط از مرکز بگویند بگو؛ نه، مثل این است که هر عضوی خودش یک مغزی داشته باشد که با آن مغز اصلی که در سر است هماهنگ باشد -که این هماهنگی البتّه راه‌هایی دارد- یک‌چنین حالتی به وجود خواهد آمد.

 اگر چنانچه ما این هیئتهای اندیشه‌ورز را داشتیم و فعّال کردیم، در کنار این، هیئتهای رصدگر لازم است. رصدِ چه؟ چون بسیجیک موجود متحرّک است، یک مجموعه‌ی زنده است، پویا است، مشغول رویش است، مشغول پیش‌روندگی است، باید رصد کرد که متوقّف نشود؛ باید رصد کرد که راه را خطا نرود، اشتباه نرود؛ باید رصد کرد که مورد آسیب قرار نگیرد، مریض نشود، ویروس‌های گوناگون در آن نفوذ نکنند. دستگاه رصدگر غیر از دستگاه اطّلاعات و حفاظت اطّلاعات و مانند اینها است؛ آنها را کار ندارم، آنها به جای خودش هر کدام مسئولیّتی دارند؛ دستگاه رصدگر آن دستگاه خردمند و عاقلی است که مثل صفحه‌ی مغناطیسی و برقی که انسان جلویش گذاشته و دارد واقعیّت بیرون را مشاهده میکند، میبیند که چه اتّفاقی می‌افتد.

 اینها لازم است؛ اینها چیزهایی است که برای پیشرفت بسیج و برای تکامل و ثمردهی هرچه بیشتر این شجره‌ی طیّبه لازم است. چون شجره‌، طیّبه است: اَصلُها ثابِتٌ وَ فرعُها فِی السَّماء \* تُؤتی اُکُلَها کُلَّ حینٍ بِاِذنِ رَبِّها.(۹) اگر بخواهید این «تُؤتی اُکُلَها کُلَّ حینٍ بِاِذنِ رَبِّها» تحقّق پیدا بکند، این چیزهایی که عرض کردیم لازم است. خب اینهایی که ما عرض کردیم خطوط کلّی است؛ تحلیلی و ذهنی هم نیست. همه‌ی این چیزهایی که عرض کردم ناظر به عمل است، ناظر به واقعیّت است؛ هرکدام از اینها شرح و تفصیل هم دارد -همین‌طور که قبلاً عرض شد- هرکدام از اینها، رویّه‌سازی و برنامه‌سازی هم لازم دارد که اینها به عهده‌ی شماها است، به عهده‌ی مسئولین است؛ باید بنشینند این کارها را انجام بدهند؛ اینها خطوط کلّی ناظر به عمل است، ناظر به واقع است که باید مورد توجّه قرار بگیرد.

یک نقطه‌ی حاشیه‌ای هم اینجا عرض بکنیم -که در بیانات این دوستان هم بعضاً بود- و آن این است که بسیجِ الگوسازی بود؛ بسیجِ ایجاد الگو بود. این الگو بدون اینکه هیچ تبلیغاتی برایش بشود، هیچ کاغذی نوشته بشود، کتابی نوشته بشود، پیغامی به کسی داده بشود، به‌طور طبیعی در یک بخش مهمّی از دنیای اسلام جا باز کرد؛ یعنی خودش را نشان داد. از روی آن نسخه‌نویسی کردند؛ بعضی‌ها نسخه‌نویسی کردند برای هدفهای خوب، بعضی‌ها نسخه‌نویسی کردند برای هدفهای بد. اینکه جوانها را بیاورند، با انگیزه‌ی دین وارد میدان کنند، مسئولیّت را به آنها بسپرند، به آنها اعتماد بکنند؛ این شد یک الگو. حالا که الگو شد، دوستان ما در خیلی از کشورها از این الگو بهره گرفتند -که حالا آقایان اسم آوردند، بنده نمیخواهم از کشوری اسم بیاورم- دشمنان [هم] نشستند برایش برنامه‌ریزی کردند. یکی از برنامه‌ریزی‌های دشمن عبارت است از نفوذ. بنده الان شاید حدود یک سال یا بیشتر است که راجع به نفوذ دارم صحبت میکنم. از نفوذ باید ترسید، باید مراقب بود. معنای ترس [هم] این نیست که آدم خوف کند، یعنی ملاحظه کنید، مراقب باشید؛ نفوذ خیلی مهم است.

 یکی [دیگر] از راه‌هایی که دشمنها دنبال میکنند، ایجاد خطوط موازی است؛ رقیب درست کردن برای بسیج؛ از این کارها هم میکنند. بنده نمیخواهم حالا وارد جزئیّات بشوم امّا من می‌شناسم، اطّلاع دارم، شاید بعضی از شما هم اطّلاع داشته باشید که همین الان دارند برای بسیج، برای جوانهای کشور، برای همانهایی که من گفتم «افسران جنگ نرم»، رقیب‌سازی میکنند. یک خطّ موازی درست میکنند، برای اینکه از اینجا غافلش کنند و آنجا بکشانندش. اینها مسائل مهمّی است.

خب، اگر این سرفصل‌هایی که عرض کردیم، مورد توجّه قرار بگیرد -البتّه حرفهای دیگری هم هست که حالا دیگر مجال نیست عرض بکنیم- آن‌وقت بسیج این توانایی را خواهد داشت که در اصلی‌ترین عرصه‌های جامعه به‌صورت پُرقدرت ظاهر بشود و اثر بگذارد؛ هم در عرصه‌ی علم، هم در عرصه‌ی فرهنگ، هم در عرصه‌ی اقتصاد، هم در عرصه‌ی خدمت‌رسانی؛ در همه‌ی این عرصه‌ها بسیج میتواند به‌عنوان یک نیروی پُرقدرت و اثرگذار [ظاهر شود]. وقتی میگویند بسیج بی‌ترمز است، یعنی همین.(۱۰) به عبارت دیگر، بسیج میتواند دستگاه‌های مسئول را، هم در جهت‌دهی، هم در هدف‌گذاری، هم در عمل یاری بدهد. یعنی ما وقتی راجع به بسیج صحبت میکنیم و این مطالب را میگوییم و توانایی‌های بسیج را میگوییم، نمیخواهیم برای قوّه‌ی مجریّه یک رقیب بتراشیم؛ نخیر، قوّه‌ی مجریّه وظایفی دارد، مسئولیّتهایی دارد که باید آنها را انجام بدهد، وظیفه‌اش است، امّا بسیجمیتواند کمک کند به قوّه‌ی مجریّه برای جهت‌دهی صحیح، برای جلوگیری از خطا و انحرافِ در مسیر. و در عمل [هم میتواند] کمک کند؛ مثل همین اقتصاد مقاومتی که بعضی از آقایان اشاره کردند. میتواند به‌عنوان مکمّل عمل کند، میتواند به‌عنوان امیدبخش عمل کند. بعضی از دستگاه‌های دولتی در بعضی از زمینه‌ها دچار ناامیدی میشوند و میگویند: نمیشود! چطور نمیشود؟ این‌همه کارهای بزرگ انجام گرفت، نمیشود یعنی چه؟ میگویند: نمیشود! بسیج وقتی‌که جلو افتاد، وقتی این نیروی جوان و پیش‌ران، حرکت صحیح خودش را دنبال کرد، آن آدم ناامید و افسرده هم بانشاط میشود و امیدوار میشود.

 البتّه من هرگز نمیخواهم مبالغه کنم، بنده نمیخواهم بگویم بسیجی یک فرشته است و از ضعفهای بشری دور است، نخیر؛ همه‌ی ماها دچار ضعفهای بشری هستیم؛ ترس داریم، تردید داریم، ملاحظات گوناگون داریم، گرفتاری‌های خانوادگی داریم، گرفتاری‌های اجتماعی داریم، امّا بن‌بست نداریم، من این را میخواهم بگویم. جوان بسیجی ممکن است یک‌وقتی، در یک برهه‌ای دچار ترس بشود، یا در یک مسئله‌ی خاصّی دچار تردید بشود، امّا دچار بن‌بست نمیشود؛ برای خاطر اینکه عناصر هدایتگر و قدرت‌آفرین و راهنما در بسیج آن‌قدر هست که بتواند همه‌ی این نقاط ضعف را برطرف کند یا تبدیل کند به نقاط قوّت.

 خب امروز ما مشاهده میکنیم در کشور از لحاظ مسائل اقتصادی مشکلاتی وجود دارد؛ البتّه ما امسال گفتیم سال اقدام و عمل، دیروز هم مسئولین محترم یک گزارش مفصّلی برای من فرستادند، فهرستی از اقدامها و عملهایی که انجام گرفته از اوّل سال تا حالا را ذکر کردند؛ یعنی ما خواستیم، گفتیم خب بالاخره [برای] اقدام و عمل چه اتّفاقی افتاده، یک گزارش مفصّلی دست من رسید و نگاه کردم. آمارهایی هست، کارهایی هست، اقداماتی انجام گرفته، منتها باید در صحنه‌ی عمل نتیجه‌اش دیده بشود؛ آنچه مهم است این است که آماری که ما میدهیم، نتیجه‌اش در عمل دیده بشود. من اوّل سال هم گفتم که بایستی جوری عمل بکنیم که وقتی آخر سال شد، بتوانیم فهرست بدهیم، بگوییم این کارها را انجام دادیم، این هم نشانه‌هایش در عمل و در واقعیّت جامعه؛ این‌جور نباشد که صرفاً گزارش باشد.

 بسیج میتواند در تحقّق این مقصود نقش ایفا کند. سیج یکی از آن پدیده‌های شگفت‌آور دوران انقلاب بود؛ امام بزرگوار از طرف پروردگار ملهَم شد به اینکه این اقدام را بکند؛ بسیج بیست میلیونی که ایشان اعلان کردند و سازمان بسیج که تشکیل شد، خیلی کار بزرگی بود. اصلاً معنای این کار چه بود؟ معنای این کار این بود که خدای متعال به امام بزرگوار این تعلیم را داد، این الهام را کرد که سرنوشت انقلاب را بسپرد دست جوانها؛ نه‌فقط جوانهای آن روز. وقتی جوانها وارد میدان شدند، این امانتی را که دست آنها سپرده شده است، این اعتمادی را که به آنها شده است، دست‌به‌دست در طول زمان به یکدیگر منتقل میکنند؛ و همین اتّفاق افتاده است. شاید نود درصد شماها که اینجا هستید، نه دوران امام را دیده‌اید، نه امام را مشاهده کرده‌اید، اکثرتان جنگ را ندیده‌اید امّا روحیّه، همان روحیّه است. نه اینکه من از اظهاراتی که این جوانهای عزیزمان اینجا کردند این را الهام بگیرم؛ نه، من اطّلاع دارم، من مرتبطم با جوانها. روحیّه‌ی امروز جوانهای ما همان روحیّه‌ی جوانهای آن‌وقت است؛ با این تفاوت که آنها آن‌وقت در وسط کوره‌ی انقلاب بودند، امروز آن [شرایط] نیست، درعین‌حال آن روحیّه هست. تفاوت دیگر اینکه بصیرت و آگاهی و تجربه‌ای که جوانهای ما امروز دارند، آن روز وجود نداشت؛ یعنی ما پیش رفته‌ایم. امام سرنوشت انقلاب را سپرد به شما جوانها؛ و هر مجموعه‌ی جوانی، هر نسلی، وقتی از جوانی پا میگذارد به میانسالی، در واقع این امانت را تحویل میدهد به نسل جوان بعد از خودش و این سلسله تمام‌نشدنی است. البتّه معنای اینکه ما میگوییم حفظ انقلاب و پاسداشت انقلاب را امام به جوانها داد، این نیست که غیر جوانها مأموریّت ندارند؛ چرا، این مأموریّت همه است؛ از پیرمرد هشتادساله و بالاتر از هشتاد‌ساله تا نوجوان، از مرد تا زن، از نخبه تا غیر نخبه و مجموع آحاد ملّت و کشور مأموریّت دارند انقلابشان را حفظ کنند؛ این وظیفه‌ی همه‌ی ما است؛ امّا جوان پیش‌ران است، موتور حرکت است. اگر نسل جوان نمیبود و نمیخواست و اقدام نمیکرد، حرکت متوقّف میشد؛ اندیشه‌ی پیران و فکر و تجربه‌ی آنها آن‌وقتی به کار می‌آید که حرکت جوانانه‌ی جوانان وجود داشته باشد؛ پیش‌ران این حرکت، جوانها هستند.

مربوط به : بیانات بنیان گذار کبیر انقلاب درباره  بسیج

بنابراین امروز، شما جوانهایی که امام را ندیده‌اید مخاطب امامید، امام با شما حرف زده است، امام با شما صحبت کرده است. مراجعه کنید به مطالب امام. این یک نکته. یک نکته‌ی دیگر این است که قطعاً حرکت بسیجی در کشور ما پیروز است. شرط اصلی‌ای که این پیروزی دارد این است که همه‌ی ما -جوانها و غیر جوانها- تقوا را و حُسن عمل را برای خودمان یک وظیفه بدانیم. تقوای شخصی و تقوای اجتماعی و گروهی، هرکدام معنایی دارد؛ حالا من درباره‌ی تقوای گروهی هم صحبت کرده‌ام، عرایضی کرده‌ام و دیگر نمیخواهم تکرار کنم. تقوا لازم است؛ خودتان را مراقبت کنید؛ هم مراقبت شخصی کنید، هم مراقبت گروهی کنید. اگر این‌[طور] شد، خدا فرمود: اِنَّ اللهَ مَعَ الَّذینَ اتَّقَوا وَ الَّذینَ هُم مُحسِنُون‌؛(۴) کسانی که تقوا پیشه کنند و نیکو عمل بکنند، مَعَ الَّذینَ، خدا با اینها است. اینکه خدا با یک جمعی باشد، خیلی مسئله‌ی مهمّی است.

تشکیل بسیج در نظام جمهوری اسلامی ایران یقینا از برکات و الطاف جلیه خداوند تعالی بود که بر ملت عزیز و انقلاب اسلامی ایران ارزانی شد. در حوادث گوناگون پس از پیروزی انقلاب خصوصا جنگ، بودند نهادها و گروه های فراوانی که با ایثار و خلوص و فداکاری و شهادت طلبی، کشور و انقلاب را بیمه کردند. ولی حقیقتا اگر بخواهیم مصداق کاملی از ایثار و خلوص و فداکاری و عشق به ذات مقدس حق و اسلام را ارائه دهیم، چه کسی سزاوارتر از بسیج و بسیجیان خواهند بود! بسیج شجره طیبه و درخت تناور و پرثمری است که شکوفه های آن بوی بهار وصل و طراوات یقین حدیث عشق می دهد بسیج مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش بر گلدسته های رفیع آن، اذان شهادت و رشادت سر داده اند.

بسیج میقات پابرهنگان و معراج اندیشه پاک اسلامی است که تربیت یافتگان آن، نام و نشان در گمنامی و بی نشانی گرفته اند. بسیج لشکر مخلص خداست که دفتر تشکل آن را که همه مجاهدان از اولین تا آخرین امضا نموده اند. من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می خورم و از خدا می خواهم تا با بسیجیانم محشور گرداند، چرا که در این دنیا افتخارم این است که خود بسیجی ام. من مجددا به همه ملت بزرگوار ایران و مسئولین عرض می کنم چه در جنگ و چه در صلح بزرگترین ساده اندیشی این است که تصور کنیم جهانخواران خصوصا آمریکا و شوروی از ما و اسلام عزیز دست برداشته اند لحظه ای نباید از کید دشمنان غافل بمانیم، در نهاد و سرشت آمریکا و شوروی کینه و دشمنی با اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - موج می زند باید برای شکستن، امواج طوفان ها و فتنه ها و جلوگیری از سیل آفت ها به سلاح پولادین صبر و ایمان مسلح شویم ملتی که در خط اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - و مخالف با استکبار و پول پرستی و تحجرگرایی و مقدس نمایی است، باید همه افرادش بسیجی باشند و فنون نظامی و دفاعی لازم را بدانند، چرا که در هنگامه خطر ملتی سربلند و جاوید است که اکثریت آن آمادگی لازم رزمی را داشته باشد. خلاصه کلام، اگر بر کشوری ندای دلنشین تفکر بسیجی طنین اندازد، چشم طمع دشمنان و جهانخواران از آن دور خواهد گردید و الا هر لحظه باید منتظر حادثه باشیم.

بسیج باید مثل گذشته و با قدرت و اطمینان خاطر به کار خود ادامه دهد. امروز یکی از ضروری ترین تشکل ها، بسیج دانشجو و طلبه است. طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاه ها باید با تمام توان خود در مراکزشان از انقلاب و اسلام دفاع کنند، فرزندان بسیجی ام در این مراکز، پاسدار اصول تغییر ناپذیر «نه شرقی و نه غربی» باشند. امروز دانشگاه و حوزه از هر محلی بیشتر به اتحاد و یگانگی احتیاج دارند. فرزندان انقلاب به هیچ وجه نگذارند ایادی آمریکا و شوروی در آن دو محل حساس نفوذ کنند. تنها با بسیج است که این مهم انجام می پذیرد. و مسائل اعتقادی بسیجیان به عهده این دو پاسگاه علمی است. حوزه علمیه و دانشگاه باید چهارچوب های اصیل اسلام ناب محمدی را در اختیار تمامی اعضای بسیج قرار دهند. باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است، چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست، باید هسته های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد.

شما در جنگ تحمیلی نشان دادید که با مدیریت صحیح و خوب می توان اسلام را فاتح جهان نمود. شما باید بدانید که کارتان به پایان نرسیده است، انقلاب اسلامی در جهان نیازمند فداکاری های شماست مسئولین تنها با پشتوانه شماست که می توانند به تمامی تشنگان حقیقت و صداقت اثبات کنند که بدون آمریکا و شوروی می شود به زندگی مسالمت آمیز توام با صلح و آزادی رسید. حضور شما در صحنه ها موجب می شود که ریشه ضدانقلاب در تمامی ابعاد از بیخ و بن قطع گردد. من دست یکایک شما پیشگامان رهایی را می بوسم و می دانم که اگر مسئولین نظام اسلامی از شما غافل شوند، به آتش دوزخ الهی خواهند سوخت. بار دیگر تاکید می کنم که غفلت از ایجاد ارتش بیست میلیونی، سقوط در دام دو ابرقدرت جهانی را به دنبال خواهد داشت.

من از تمامی بسیجیان خصوصا از فرماندهان عزیز آن تشکر می کنم و از دعای خیر برای این فرزندان با وفای اسلام غفلت نخواهم نمود. خداوند شهدای عزیز و گمنام بسیج را که به نعمت همجواری اهل بیت - علیهم السلام - مغتنم و جانبازان عزیز را شفا و اسرا و مفقودین عزیز را سالما به اوطانشان بازگرداند و هر روز بر عظمت و شوکت این نهاد مقدس و مردمی که پیروان اسلام عزیز و حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا لمقدمه الفدا هستند بیفزاید.

 والسلام علیکم و رحمه الله   
 روح الله الموسوی الخمینی